

به نام مردم کردستان هرگز!

(درباره تلاش حزب دمکرات کردستان ایران برای بندوبست با رژیم)

به حزب دمکرات اجازه نمی دهیم
با جمهوری اسلامی ساخت و پاخت کند

موضوع تلاش حزب دمکرات کردستان ایران برای بندوبست با رژیم اسلامی بار دیگر در بعضی رسانه ها طرح شده است. این بار مساله از منابع خبری ثالثی نظیر روزنامه الزمان "درز" نکرده است، دبیرکل این حزب راسا شایعه "مذاکره" را بمنظور تولید انبوه و تبدیل آن به خبر، در اختیار رسانه ها گذاشته است. طرح این موضوع از جانب بالاترین سطح رهبری حزب دمکرات، درحالیکه از زبان طرف مقابل، در هیچ سطحی، حرفی جاری نشده، به اندازه کافی گویاست که این حزب در تلاش سابقه دارش برای طرف رابطه شدن با ماموران جمهوری اسلامی، چه موقعیت نازلی برای خود قائل است. سیاست رهبران یک حزب سیاسی چقدر باید غرق افلاس باشد که بیست و چند سال پس از شکست اولین دور تلاشهایشان برای سازش با رژیم اسلامی (محتوای دو جلد کتاب حزب دمکرات بنام "تلاش در راه تفاهم" اسفند ۱۳۵۹) و در حالیکه طی این بیست و چند سال دو مورد با ترور رهبران و دهها مورد با ترور فعالینشان توسط دستگاههای اطلاعاتی رژیم روبرو شده اند، هنوز هر وقت هر کاربردست هر حزب مافیایی کردستان عراق دستشان را در دست یک فرستاده درجه چندم اطلاعات رژیم بگذارد سر از پا نمی شناسند و آب از لب و لوجه شان سرازیر می شود!

در نظر داشتن منافع مردم کردستان را هیچ انسان جدی دارای تجربه سیاسی از حزب دمکرات انتظار ندارد. اما در پی اینهمه رویداد تکان دهنده و اینهمه تحولات مهم جهانی و منطقه ای، آیا انتظار هم نباید داشت که سرانجام رهبران این حزب بفهمند که دوره کنار آمدن با جمهوری اسلامی نیست؟ که وارد بندوبست شدن با جمهوری اسلامی در این شرایط به معنی رودرو قرار گرفتن فوری و تمام عیار با مردمی است که برای برچیدن بساطش بپا خاسته اند؟ که مردم کردستان به هیچ حزب و جریانی اجازه نخواهند داد بنام آنها با این رژیم کثیف در حال زوال وارد بندوبست شود؟

حس زمان عنصر فوق العاده مهم و حساسی در رهبری سیاسی است و اگر رهبری حزب دمکرات اینقدر با ضرورت زمان بیگانه است این فقط انعکاس بیگانگی اش با منافع مردم و سراسیمگی اش برای رسیدن به هر میزان کدخدائی در هر زمان و در پاداش هر درجه همکاری با هر دولت کوچک و بزرگ و ماندگار و در احتضار است. نظیر این بیگانگی با منافع مردم، این فقر سیاسی و این درجه از تناقض و افلاس را احزاب ناسیونالیست کردستان عراق در سال ۱۹۹۱، با رفتن به زیر پرچم بوش پدر و سپس با روبروسی و دستبوسی صدام حسین، از خود نشان دادند و هنوز هم هر سال و هر ماه نشان می دهند.

"مذاکره" یا رابطه؟

در شرایطی که مردم کردستان همراه با مردم سراسر ایران دست اندر کار بزیر کشیدن رژیم اسلامی هستند، هرگونه بندوبست حزب دمکرات با رژیم اسلامی در جهت خلاف مبارزات آنهاست. آنچه بنا به گفته دبیرکل حزب دمکرات میان آنها و ماموران رژیم در جریان بوده و یا هست، نمی تواند هدفی جز تضعیف عزم و اراده مردم برای درهم شکستن ارکان

حاکمیت اسلامی و حاصلی جز تداوم عمر پرنکبت رژیم داشته باشد. این مذاکره نیست. این رابطه گرفتن با رژیمی است که مردم دارند سرنگونش می کنند. حزب دمکرات شمعی دیواری می شود که بدست مردم در حال فرو ریختن است.

در کردستان معضل سیاسی معینی بنام مساله کرد و ستم ملی وجود دارد که احزاب بورژوازیونالیست به نام "حل" آن همیشه بدنبال کنار آمدن با رژیم مرکزی از طریق "مذاکره" بوده اند. اینکه در هر مقطع معین مردم کردستان علاوه بر رفع تبعیض و ستم و سرکوب بر مبنای ملی، چه مشکلات دیگری با رژیم حاکم دارند و در پی چه خواستهها و مطالبات دیگری هستند، ابدا بر این سنت بورژوازیونالیستی و بر استراتژی احزاب آن برای سهم گرفتن از قدرت تاثیری ندارد. چراکه آنها در صف مقابل مردم، در صف مقابل نیازها و خواستههای توده وسیع مردم قرار دارند. حتی حل مساله ملی مساله شان نیست، برعکس، از وجود مساله ملی بعنوان وسیله رسیدن به قدرت محلی بهره برداری می کنند. حزب دمکرات عادتاً هر تماسی با هر فرستاده ای از اطلاعات رژیم را "مذاکره" نامگذاری می کند تا بر اساس این سنت ناسیونالیستی به آن رنگ مشروعیت بزند. همینجا بگویم که از زمستان ۱۳۵۸ که نشست اول و آخر هیات ویژه دولت جمهوری اسلامی با هیات نمایندگی خلق کرد در مهاباد نیمه کاره رها شد تا کنون جمهوری اسلامی هیچگاه در ارتباط با حل مساله کرد با هیچ جریان سیاسی در کردستان وارد مذاکره نشده است. البته همان موقع و همچنین طی سالهای بعد، حزب دمکرات تقریباً همیشه با جمهوری اسلامی تماس و رابطه پنهانی مستقیم و غیرمستقیم داشته است. شناخته شده ترین این تماس ها در اطیش و با وساطت اتحادیه میهنی کردستان صورت گرفت که طی آن قاسملو توسط ماموران رژیم ترور شد. حزب دمکرات هیچوقت محتوای این روابط پنهانی را علنی نکرده است. حتی زمانی هم که در هیات نمایندگی عضو بود و بنا به تعریف به موازین آن متعهد بود، خود را در برابر مردم مسئول و موظف به اعلام علنی روابط پشت پرده اش با جمهوری اسلامی نمی دانست. موضوع اخیر هم از این روال خارج نیست. آنچه دبیرکل حزب دمکرات اعلام کرده، یک تماس دیگر آن حزب با ماموران رژیم اسلامی است. یک رابطه گرفتن پنهانی حزب دمکرات با دستگاههای اطلاعاتی جمهوری اسلامی است، که معمولاً هرازگاهی با واسطه گری احزاب حاکم در کردستان عراق صورت می گیرد. با استفاده از کلمه "مذاکره"، حزب دمکرات می خواهد از بالای سر مردم کردستان با رژیم اسلامی وارد بندوبست های دیگری بشود.

هدف حزب دمکرات چیست؟

رهبری حزب دمکرات هیچوقت فراتر از نوک بینی هدف خود یعنی رسیدن به سهمی از قدرت محلی را ندیده است. امروز هم همین هدف را از پراکندن این شایعه تعقیب می کند:

۱- حزب دمکرات دارد به جمهوری اسلامی اعلام آمادگی می کند که حاضر است "روز خود" در ازای سهمی از قدرت، به مردم کردستان پشت پا بزند. این "روز خود"، موقعی است که پروسه فروپاشی جمهوری اسلامی در تهران عملاً شروع شده باشد. در چنان شرایطی اگر به فرض، شروع این پروسه تا پایان آن در تهران زمان معینی ببرد، همه می دانند که در کردستان پروسه فروپاشی رژیم اسلامی خیلی سریع خواهد بود. ابزارهای سلطه رژیم در کردستان با دخالت مستقیم مردم و جریانات سیاسی موجود فوراً در هم پیچیده خواهد شد. به این ترتیب اختلاف فاز زمانی معینی ممکن و قابل تصور است. حزب دمکرات به جمهوری اسلامی می گوید که از هم امروز و تا آن روز داوطلب است که در تیبانی با جمهوری اسلامی یا بقایای آن، تلاش کند مانع افتادن قدرت به دست مردم و به دست کمونیسم کارگری بشود. این بسادگی یک خیال خام است.

۲- حزب دمکرات همچنین میخواهد وانمود کند که طرف اصلی "مذاکره" اوست. کدخدای منطقه اوست. پشت این ادعا هدفی فراتر از مذاکره نهفته است. حزب دمکرات نظیر احزاب حاکم در کردستان عراق الگوی حاکمیت حزبی را برای آینده

سیاسی کردستان مد نظر دارد. از نظر این احزاب، انتخابات و پارلمان و مجلس و غیره، عروسک های خیمه شب بازی هستند و پیشیزی ارزش ندارند جز اینکه ابزار "مشروعیت" دادن به حاکمیت حزبی آنها بشوند. در الگوی حاکمیت حزب دمکرات، مردم نقشی ندارند. "اداره امور" از طریق توافقات، و البته یک در میان از طریق قلدری و زدو خورد و جنگ احزاب پیش برده میشود. حکمت اطلاق نام "کومه له" توسط حزب دمکرات به باند زحمتکشانش اینست که از آنها، که امروز به وردستی حزب دمکرات افتخار می کنند و فردا به کدخدائی "حمامیان" هم راضی خواهند شد، بعنوان ابزاری برای پیشبرد الگوی حاکمیت حزبی مورد نظر خود یا به تعبیر دیگر "اداره امور" در غیاب حاکمیت مرکزی و تا بازگشت مجدد آن، استفاده کند. تجربه پارلمان کردستان عراق که پس از ده سال موجودیت مسخره، این روزها مجددا راه اندازی می شود و گویا مثل موارد دیگر سنت "کردایه تی" از عمر و عزت و حقانیت ابدی (نه مر!) برخوردار است، سالها سمبل پوچی الگوی حاکمیت حزبی _ عشیره ای ناسیونالیسم کرد و بیربطی آن به مردم بوده است. این الگو چه در تجربه مستقیم مردم از حزب دمکرات و چه در تجربه دوازده سال حاکمیت احزاب کردایه تی در کردستان عراق، ضدیت خود با منافع و حاکمیت مردم را به روشنی نشان داده است، حزب دمکرات شانسی برای تحمیل آن به آینده سیاسی کردستان نخواهد داشت.

در خاتمه

چه در ارتباط با مقوله "مذاکره" و چه در پروسه تعیین تکلیف نوع حاکمیت مطلوب مردم کردستان در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی، حزب دمکرات نماینده مردم کردستان نیست. پایگاه اجتماعی حزب دمکرات را اقلیت محدودی از جامعه کردستان تشکیل میدهد، بخشی از سرمایه داران و صاحبان ثروت که طی دو دهه اخیر معمولاً بین این حزب و رژیم در آمد و شد بوده اند. اکثریت عظیم مردم کردستان با حزب دمکرات و افق و سیاست آن ربطی ندارند و البته طی سالیان زیروبالی سیاستهای حزب دمکرات را تجربه کرده اند. به خوبی می شناسندش. تجربه هیات نمایندگی و پشت پا زدن حزب دمکرات به آن و تجربه "حاکمیت" این حزب در حافظه مردم زنده است.

اوضاع اجتماعی و سیاسی در کردستان ایران و به تبع آن آرایش نیروها و جریانات سیاسی و احزاب دستخوش تحولات عمیق و مهمی شده است که حزب دمکرات بعید است و در اکثر موارد بسیار بعید است که قادر به درک آن باشد. اما خارج از دنیای ذهنی حزب دمکرات، نیروهای اجتماعی و سیاسی حاضر در جامعه امروز کردستان، مهر خودشان را بر اوضاع سیاسی و مسیر تحول آن زده اند. حزب دمکرات چاره ای جز به رسمیت شناختن آنها نخواهد داشت. این را یک بار دیگر در شرایط تاریخی دوران انقلاب ۱۳۵۷ و بعد از آن تجربه کرده است. اما در هر حال، قدر مسلم اینست که مردم کردستان و حزب کمونیست کارگری به حزب دمکرات اجازه نخواهند داد که با رژیم اسلامی وارد تبنانی و بندویست شود. این رژیم و همه دم و دستگاه سرکوب و اختناق و جاسوسی آن به دست مردم برچیده خواهد شد و بجای آن حاکمیت مستقیم مردم برقرار خواهد شد. این را ما تضمین می کنیم.